

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی  
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)  
در رشته‌ی علوم سیاسی

عنوان:

# فمینیسم پست مدرن و تاثیر آن بر دموکراسی

استاد راهنما:

دکتر محمد توحید فام

استاد مشاور:

دکتر محبوبه پاک نیا

پژوهشگر:

لیلا عیسی وند

زمستان ۱۳۸۹

تقدیم به :

به پاس نستوهی زنانی که برای آزادی مبارزه می کنند.

## تعهد اصالت پایان نامه ی کارشناسی ارشد

اینجانب **لیلا عیسی وند** دانش آموخته ی مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۱۳۲۷۰۰ که در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۴ با کسب نمره ۱۹/۵۰ و درجه **عالی** دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از طرف دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی :

تاریخ و امضاء :

بسمه تعالی

در تاریخ: ۱۳۸۹/۱۱/۰۴

دانشجوی کارشناسی ارشد لیلا عیسی وند از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره به

حروف نوزده و نیم و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول : کلیات

- ۱-۱ طرح مسئله و تعریف موضوع ..... ۱
- ۲-۱ علل انتخاب موضوع و انگیزه های آن ..... ۳
- ۳-۱ اهداف پژوهش ، علل و ضرورت های آن ..... ۵
- ۴-۱ پیشینه و ادبیات پژوهش ..... ۶
- ۵-۱ سوالات و فرضیات پژوهش ..... ۸
- ۶-۱ تعریف مفاهیم و متغیرهای پژوهش ..... ۹
- ۷-۱ ابعاد و قلمرو پژوهش ..... ۱۵
- ۸-۱ ابعاد نوآوری پژوهش ..... ۱۶
- ۹-۱ روش پژوهش و روش گردآوری اطلاعات ..... ۱۷
- ۱۰-۱ موانع و مشکلات پژوهش ..... ۱۸
- ۱۱-۱ سازمان بندی پژوهش ..... ۱۹

### فصل دوم: مبانی نظری (از نظریه ی فمینیسم تا توسعه ی دموکراسی )

- ۱-۲ مبانی پست مدرنیسم ..... ۲۳
- ۲-۲ اصول پست مدرنیسم ..... ۲۸
- ۳-۲ تعامل فمینیسم و پست مدرنیسم ..... ۳۲
- ۴-۲ فمینیسم و پست مدرنیسم و تحول در مفهوم دموکراسی ..... ۴۰
- ۵-۲ فمینیسم و اندیشه ی سیاسی ..... ۴۴
- جمع بندی ..... ۵۰

## فصل سوم: تاریخچه (فمینیسم و دموکراسی در گذر تاریخ)

- ۱-۳ تاریخچه‌ی فمینیسم ..... ۵۴
- ۱-۱-۳ موج اول جنبش زنان ..... ۵۴
- الف : موج نخست جنبش زنان : ۱۹۲۰-۱۸۵۰ ..... ۵۴
- ب : تعلیق جنبش زنان : ۱۹۶۰-۱۹۲۰ ..... ۵۸
- ۲-۱-۳ موج دوم جنبش زنان ..... ۶۱
- الف : زمینه‌ی ظهور موج دوم فمینیسم ..... ۶۱
- ب : موج دوم جنبش زنان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ..... ۶۲
- ۳-۱-۳ موج سوم جنبش زنان ..... ۶۶
- الف : زمینه‌ی ظهور موج سوم فمینیسم ..... ۶۶
- ب: موج سوم فمینیسم : مبارزه در عرصه‌ی فعالیت‌های نظری - آکادمیک ..... ۶۷
- ۲-۳ تاریخچه‌ی دموکراسی ..... ۷۳
- ۱-۲-۳ دموکراسی کلاسیک ..... ۷۳
- الف: یونان..... ۷۳
- ب: رُم..... ۷۵
- چکیده‌ی شماره یک : دموکراسی کلاسیک ..... ۷۷
- ۲-۲-۳ دموکراسی حمایتی ..... ۷۸
- چکیده‌ی شماره دو: دموکراسی حمایتی ..... ۸۰
- ۳-۲-۳ دموکراسی تکاملی ..... ۸۱
- چکیده‌ی شماره سه : دموکراسی تکاملی ..... ۸۳
- ۴-۲-۳ نخبه‌گرایی رقابتی و دیدگاه تکنوکراتیک ..... ۸۴
- ۵-۲-۳ دموکراسی حقوقی ..... ۸۴

۸۵.....	۶-۲-۳ دموکراسی مشارکتی.....
۸۷.....	۷-۲-۳ دموکراسی نیمه مستقیم.....
۹۲.....	۸-۲-۳ خودمختاری مستقیم.....
۹۳.....	۳-۳ امواج دموکراسی.....
۹۷.....	۴-۳ استقرار دموکراسی در جوامع مدرن.....
۹۸.....	الف: ظهور دموکراسی های مدرن.....
۱۰۲.....	ب: سرمایه داری و دموکراسی.....
۱۰۵.....	ج: دموکراسی سوسیالیستی و توتالیتیر زدایی.....
۱۱۲.....	د: دموکراسی لیبرال.....
۱۱۴.....	جمع بندی.....

### **فصل چهارم: فمینیسم پست مدرن**

۱۱۷.....	۱-۴ فمینیسم پست مدرن.....
۱۱۸.....	۱-۱-۴ تردید در روایت های کلان.....
۱۱۹.....	۲-۱-۴ توجه به تفاوت های بین زنان.....
۱۲۰.....	۳-۱-۴ تقویت گفتمان.....
۱۲۲.....	۴-۱-۴ تاثیر پست مدرنیسم بر فمینیسم.....
۱۲۶.....	۵-۱-۴ تاثیر فمینیسم بر پست مدرنیسم.....
۱۲۸.....	۲-۴ برخی تاثیرات عمده بر اندیشه ی فمینیستی پست مدرن.....
۱۳۰.....	۱-۲-۴ فمینیسم پست مدرن و فمینیسم اگزیستانسیالیستی.....
۱۳۱.....	۲-۲-۴ فمینیسم پست مدرن و ساخت شکنی.....
۱۳۲.....	الف: ژاک لاکان.....
۱۳۵.....	ب: ژاک دریدا.....



- ۳-۴ فمینیسم پست مدرن - سه دیدگاه ..... ۱۳۶
- ۱-۳-۴ الن سیکسو ..... ۱۳۷
- ۲-۳-۴ لوس ایریگاری ..... ۱۴۱
- ۳-۳-۴ ژولیا کریستوا ..... ۱۴۶
- ۴-۴ نقد فمینیسم پست مدرن ..... ۱۴۸

### **فصل پنجم : فمینیسم پست مدرن و تاثیر آن بر دموکراسی**

- ۱-۵ تاثیر سه موج اول فمینیسم بر دموکراسی ..... ۱۵۴
- ۲-۵ فضای رقابتی ایدئولوژیک جهانی چگونه درهم شکست؟ ..... ۱۵۸
- ۳-۵ تاثیر پذیری فمینیسم از شکسته شدن فضای ایدئولوژیک چگونه بود؟ ..... ۱۶۱
- ۴-۵ اولویت های پست فمینیست ها در دموکراسی چیست؟ ..... ۱۶۵
- ۶-۵ فمینیسم پست مدرن ایده هایش را در کدام مدل دموکراسی جامعه ی عمل می پوشاند؟ ..... ۱۷۰
- ۷-۵ میزان موفقیت ها و ناکامی های فمینیسم پست مدرن در ارائه ی مدل واقع گرایانه ای از دموکراسی به چه اندازه بوده است؟ ..... ۱۷۷
- نتیجه گیری ..... ۱۸۶
- فهرست منابع ..... ۱۹۴

# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱ طرح مسئله و تعریف موضوع

شاید بتوان گفت که در طول قرن بیستم یکی از جنجال برانگیزترین جنبش‌های اجتماعی و فکری در سطح جهان فمینیسم بوده است، بسیاری از دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و حقوقی در وضعیت زنان را در جوامع مختلف می‌توان ناشی از این جنبش دانست. حضور زنان در عرصه‌ی عمومی به صورت مختلف از جمله اشتغال در حوزه‌ی اقتصادی و رده‌های مختلف مناصب دولتی، حق رای، عضویت در پارلمان‌ها، کابینه‌ی دولت و قوه قضائیه، بهره‌مند شدن از حقوق مدنی از جمله‌ی این تغییرات است.

فمینیسم گاه به عنوان مبارزه برای حقوق برابر زنان با مردان مطرح بوده (در فمینیسم لیبرال)، گاه بر برتری زنان بر مردان (نه از نظر حقوقی و اجتماعی، بلکه از نظر اخلاقی) تاکید داشته و گاه تفاوت زن و مرد را نقطه‌ی عزیمت خود قرار داده (در فمینیسم اجتماعی) و گاهی هم اساساً زن و مرد را (زنانگی و مردانگی) را اموری غیر جوهری و یا برساخته اجتماع معرفی کرده است. (فمینیسم پسا تجدد گرا).

اما فمینیسم سه دوره را پشت سر گذاشته در واقع از دو دوره گذر کرده است و در حال حاضر موج سوم در جریان می‌باشد که از آنها به عنوان امواج فمینیسم یاد می‌کنند. در موج اول زنان بیشتر خواسته‌های حقوقی و سیاسی داشتند. در آمریکا به طور خاص جنبش‌های برده‌داری نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در پیدایش موج نخست داشت (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۵).

بعد از چندین سال تعلیق موج دوم فمینیسم شکل گرفت. زمینه‌هایی که باعث شکل‌گیری موج دوم فمینیسم شد را چنین بر می‌شمرند: ۱- تحولات سرمایه‌داری و تاثیر آن بر موقعیت زنان ۲- به

وجود آمدن دولت رفاهی اما در آن سالها شاهد اوج گیری جنبش های حقوقی و حاکمیت فضای چپ بر گفتمان های سیاسی هستیم که موج دوم فمینیسم به گرایشات چپ آن مشهور است که تاثیر پذیر از نظریات زیر می باشد.

۱- واکنش علیه نظریه ی فروید.

۲- تاثیر فلسفه ی هستی گرا

۳- گرایش های نو مارکسیستی

۴- فمینیسم رادیکال

از نیمه ی دوم دهه ی هفتاد به بعد به تدریج از قدرت موج دوم کاسته شد بدون این که این جنبش کاملاً به اهداف خود رسیده باشد زیرا اهداف به صورت کلی تعریف شده بود (جان لچت، ۱۳۷۷:۲۴۶).

همه ی این دلایل زمینه ساز به وجود آمدن بستری نو برای موج سوم شد یکی از مهمترین دلایل آن نیز جامعه ی پسا صنعتی بود. به طور کلی موج سوم فمینیسم از پسا ساختارگرایی<sup>(۱)</sup> و پسا نوگرایی<sup>(۲)</sup> به شدت تاثیر پذیر بوده است.

فمینیسم پست مدرن متأخرترین گرایش فمینیسم است و شاید بتوان برحسب متأخر بودن جریان فکری- اجتماعی پست مدرنیسم آن را فمینیسم پست مدرن نام نهاد. شناسایی فمینیسم پست مدرن در ابتدا مبتنی بر فهم این نظریه است که چه نسبتی می توان میان فمینیسم و پست مدرنیسم قایل شد. تحت آموزه های پست مدرنی گروهی که بعد از دهه ی ۷۰ به عرصه ی فمینیسم وارد شدند خود را فمینیسم پست مدرن نام نهادند. آنها با تاکید بر اصل تفاوت انسانها معتقدند باورهای جهان شمول از مسایل مهم سیاسی و اجتماعی نه تنها غیر قابل قبول هستند بلکه بنیانگذار ستم های جدید علیه زنان خواهند بود.

---

1 - POST structuralism

2 - Postmodernism

آنها نظریه‌ی زنان و مردان با تعاریف جدید را پیشنهاد می‌کنند و به تشابه حقوق زنان و مردان در خانواده و محیط اجتماعی معتقد هستند. فمینیست‌های پست مدرن براین باورند که تعیین هویت جنسی نیز تابعی از روابط قدرت سیاسی و اجتماعی مردانه است.

فمینیسم‌های پست مدرن چند شاخصه‌ی اصلی دارند: ۱- تردید در روایت‌های کلان ۲- ساختار شکنی مفاهیم پیشین ۳- توجه به تفاوت‌های بین زنان و تقویت گفتمان دموکراسی خواهی. حال با توجه به تعریف فمینیسم پست مدرن و شاخصه‌های آن این رساله درصدد تبیین این مسئله است که فمینیسم پست مدرن که تاکید بر حقوق عمومی دموکراتیک ۲- گسترش گفتمان دموکراسی خواهی و تردید در روایت‌های کلان دموکراسی آن می‌باشد چه تاثیری بر مقوله‌ی دموکراسی خواهد گذاشت.

## ۱-۲ علل انتخاب موضوع و انگیزه‌های آن :

کوشش‌های فکری زنان در کمتر از دویست سال گذشته چشم اندازهای تازه‌ای به روی دانش بشر گشوده و پرسش‌های مهمی به میان آورده است. اما تنوع و تضارب شگفت آور اندیشه‌ها خود به سدی در برابر درک چند و چون آنها تبدیل شده است.

ورود به این عرصه‌ی پرهیاهو به قصد تدارک تحلیلی سنجش‌گرانه از اندیشه‌های بس گوناگونی- از نظریه‌های فراگیر و پردامنه لیبرال- فمینیستی، تا ژرف اندیشی خلاق و گاه تندروانه‌ی رادیکال فمینیست‌ها که بنیان علم و اخلاق و سیاست و کیاست را به چن و چرا کشیده اند، از بحث‌های غامض روانکاوی، جدل‌های مارکسیستی و راهکارهای سوسیالیستی تا پیچیدگی‌های نوشتاری فمینیست‌های پست مدرن کاری است به غایت دشوار.

پرسشی که در وهله‌ی نخست باید به آن پرداخت این است که اساساً فمینیسم چیست و فمینیسم پست مدرن دارای چه ویژگی‌هایی از کلیت پست مدرنیسم می‌باشد. فمینیسم به عنوان جنبش فکری و اجتماعی در وسیع‌ترین معنای آن درصدد ارتقای موقعیت زنان به عنوان یک گروه در جامعه است.

از فمینیسم نیز به عنوان یک جنبش فکری و اجتماعی انتظار می رود موقعیت فرودست گروه پایه‌ی خود یعنی - زنان - را تبیین کند و علل و عوامل موثر در این وضعیت را توضیح دهد، تصویری از جامعه‌ی مطلوبی که در آن زنان از موقعیت مساعد و مناسبی برخوردارند، ارائه کند؛ مجموعه مطالباتی را برای رسیدن به این هدف در دستور کار خود قرار دهد و سرانجام با تبیین راهبرد عملیاتی خود، به سازماندهی و بسیج منابع پردازد و روش‌های مشروع و یا موثر مورد نظر خود را برای نیل به اهداف مشخص سازد.

به بیان دیگر، ما با چیزی مشخص و معین با عنوان فمینیسم روبرو نیستیم که بتوانیم به سهولت و به شکلی ساده آن را بپذیریم یا رد کنیم در برخورد با فمینیسم (مانند سایر مقولات اجتماعی) باید از یکپارچه‌انگاری آن اجتناب کرد، تحولات و تنوعات زمانی-تاریخی و مکانی و جغرافیایی آن را بازشناخت و به وجوه برداشت‌ها و تفاسیر متفاوت آن توجه کرد.

نظریه‌های سیاسی پست مدرن «ایسم‌های مطلق تجدد» را نفی می‌کند و «رژیم‌های جنایت‌کار» آنها را تقبیح می‌کند.

در این برداشت سوژه‌ی مدرن که یک پارچه، متعالی و منبع معتبر شناخت محسوب می‌شود و داعیه‌ی جهان‌شمولی دارد در واقع یک سوژه‌ی خاص (سفید پوست، مرد، دگرجنس‌گرا و خرد ورز) است و همه‌ی آنهایی که چون او نیستند «دیگری» را شکل می‌دهند و به نحوی حذف می‌شوند و یا در حاشیه قرار می‌گیرند. با آشکار شدن این خاص بودن سوژه‌ی به اصطلاح جهان‌شمول، راه برای تاکید بر «صداها»ی دیگران که تاکنون حذف می‌شدند باز می‌شود و این به معنای گسترش دموکراسی نیز می‌تواند باشد و به همین دلیل نیز از «نفوذ دموکراتیک» فوکو بر نهادهای فرهنگی سخن به میان می‌آید (تانگ، ۱۳۸۷: ۳۲۸-۳۲۷).

لیوتار به عنوان «قهرمان تفاوت و تکثر» معرفی می‌شود و فلیکس گاتاری و ژیل دلوز اعلام می‌کنند که چیزی ورای تعدد وجود ندارد و شعار «زننده باد تعدد» نیز بی‌فایده است و باید «تعدد را ساخت» یعنی با آفریدن راه‌های بدیل زندگی و تفاسیر بدیل از جهان.

این به معنای تاکید بر «سیاست های تفاوت» و استقبال از «پروژه های فرهنگی انقلابی گروه های حاشیه ای» است که ارزش ها و نیازهای خود را در مقابل جامعه ی مسلط قرار می دهند و با «خرده مبارزات» خود با قدرت در همه ی اشکال آن به مقابله بر می خیزند (همان، ۳۵۱-۳۵۰).

از دید اندیشمندان پسا مدرن، قدرت در جهان معاصر برخلاف سایر صورت بندی های اجتماعی-تاریخی از نقاط بی شماری دنبال می شود و سرچشمه یا مرکز قدرتی وجود ندارد که با آن مقابله شود؛ سوژه ای وجود ندارد که صاحب قدرت باشد؛ قدرت به فعالیتی کاملاً ساختاری بدل می شود که در گفتارها و عرصه های نهادی متعددی جاری است.

در کلیت فلسفه ی پست مدرن مفاهیمی چون آفرینش زدایی،<sup>(۱)</sup> واگرایی،<sup>(۲)</sup> شالوده شکنی مرکزیت زدایی، اسطوره زدایی مشروعیت زدایی و... مد نظر می باشند (کهنون، ۱۳۸۱، ۴۹۰).

این تاکیدات به رغم ظاهر نظری و فکری آن دارای پیامدهای سیاسی تلقی می شود و هم از لحاظ فکری و هم در ابعاد علمی آن بر اندیشه ها و رویه های جنبش های جدید اجتماعی از جمله فمینیسم چه به عنوان جنبش اجتماعی و چه به عنوان نظریه ی اجتماعی تاثیر داشته است. البته در انتخاب موضوع، علاقه ی شخصی به فلسفه ی پست مدرن و فمینیسم، از سویی دیگر موضوعیت دموکراسی که یکی از اساسی ترین مسایل جهان امروز می باشد، باعث ایجاد انگیزه ای مهم برای پژوهش در باب فمینیسم پست مدرن و دموکراسی شد.

### ۳-۱ اهداف پژوهش ، علل و ضرورت های آن

هدف از نگارش این رساله چند موضوع مختلف می باشد. ابتدا بررسی مسئله ی فمینیسم که امروزه به یکی از گفتمانهای مهم در عرصه ی اندیشه ی سیاسی تبدیل شده است و خصوصاً گرایش پست مدرن آن که گرایش اخیر فمینیسم می باشد به نظر می رسد موضوعی است که در خور و اندازه به آن پرداخته نشده است.

---

1 - decreation  
2- disintegration

هدف از پژوهش در این مورد واکاوی فمینیسم پست مدرن می باشد اینکه آیا عبور فمینیست ها از موج اول و دوم و رسیدن به موج سوم باعث تغییر نگرش آنها به مسایل اساسی زنان شده یا خیر؟ بازنگری فمینیست ها در موج سوم و رفع مشکل در این آموزه‌ی سیاسی و رسیدن به گفتمانی فرهنگی در عرصه‌ی جهانی برای احقاق حقوق زنان موثر واقع خواهد شد. از علل دیگر پرداختن به مسئله‌ی فمینیسم پست مدرن و سنجش تاثیر آن بر دموکراسی، این موضوع مد نظر خواهد بود که پست فمینیست ها چگونه خواهند توانست تحت آموزه‌های پست مدرن ضمن حفظ ارزش های بدست آمده‌ی فمینیستهای ما قبل خود گفتمان جدید و فرهنگی تری را ارایه دهند که به این وسیله بتوانند بر دموکراسی نیز تاثیر گذار باشند.

در زمینه‌ی ضرورت انتخاب موضوع به نظر نگارنده دو مسئله‌ی مهم در کانون توجه قرار گرفته است ضرورت انتخاب. ۱- نظری ۲- عملی به این ترتیب با توجه به اینکه فمینیسم قبل از اینکه نظریه ای سیاسی باشد جنبشی عملی بوده است بررسی هر دو جنبه‌ی آن مهم به نظر می رسد در بعد نظری و عملی این مسئله قابل توجه است که چگونه یک جنبش از نوع زنانه توانست به یک نظریه‌ی سیاسی تبدیل شود و چگونه توانست خود را با زمانه‌ی خودسازگار کند در بعد عملی هم اینکه جنبشی به نام فمینیسم چگونه توانست توجه حکومت ها و اندیشمندان سیاسی را جلب کند و اینکه فمینیسم در دنیای امروز و در وضعیت زنان چه میزان تاثیر گذار خواهد بود.

#### ۴-۱ پیشینه و ادبیات پژوهش

فمینیسم پیش از آنکه نظریه‌ی نظام مند باشد یک موضع گیری سیاسی است. اساس آن بر زندگی سیاسی است و هدف آن تغییر جهان. تفکر فمینیستی همانند هر جنبش دیگری که هدفش تحول سیاسی است با عمل عجین است و ذاتاً کثرت گراست. فمینیسم با تمام کثرتش یک هدف ساده، روشن و فراگیر را دنبال می کند و آن پایان دادن به سلطه‌ی نظام مند مردان بر زنان است.



نظریه‌ی فمینیستی نیز یک هدف فراگیر دارد که عبارت است از شناختن، توضیح دادن و به چالش کشیدن آن سلطه به منظور کمک به پایان یافتن آن.

نتایجی که نظریه پردازان فمینیست در خلال پیش بردن برنامه شان به آن دست می‌یابند غالباً پرتوهای جدیدی بر فلسفه‌ی سیاسی می‌افکند. مفاهیم محوری اندیشمندان بزرگ غرب، پس از نقد فمینیستی شکل دیگری به خود می‌گیرند. مفاهیم آشنای سیاسی، در پرتو تجربه‌های زنان معانی جدید یا افزون تری می‌یابند.

با توجه به اینکه نظریه‌های فمینیستی براساس تجربه‌های زنان بنا شده‌اند، رابطه‌ی میان خویشتن و دیگری را طوری می‌بینند که با نگاه‌های سنتی رایج در فلسفه‌های غربی به کلی متفاوت است، یا تفاوت‌های ظریفی دارد.

همین موضوع می‌تواند فمینیسم را به عنوان اندیشه‌ای مطرح و قابل پژوهش پیش روی ما قرار دهد. پیشینه‌ی پژوهشی فمینیسم در کشور ما قوی نیست. عمدتاً رساله‌هایی که در ارتباط با فمینیسم نوشته شده بسیار کم می‌باشد و در ارتباط با فمینیسم پست مدرن تقریباً هیچ پژوهش قابل توجهی انجام نشده است. اگر رساله‌ای هم در ارتباط با فمینیسم نوشته شده معطوف به بررسی‌های موج اول و دوم فمینیسم می‌باشد و چند نقد فمینیستی جانبدارانه. مثلاً اینکه فمینیسم باعث متلاشی شدن بنیان خانواده می‌گردد، اینکه فمینیسم اندیشه‌ای غربی است و ترویج آن در جوامع اسلامی کاری است اشتباه.

در ارتباط با ادبیات پژوهش، آنچه که در کشور ما در ارتباط فمینیسم وجود دارد بیشتر کتاب‌هایی است که ترجمه شده و کسانی که تمایل به پژوهش در مسئله‌ی فمینیسم دارند با کمبود منابع در این حوزه‌ی مطالعاتی مواجه می‌شوند البته جای تقدیر از کسانی چون خانم فیروزه مهاجر - حمیرا مشیرزاده و تنی چند از عزیزان دیگر دارد که مبادرت به ترجمه و تألیف آثار فمینیستی نموده‌اند.

کتاب از جنبش تانظریه‌ی اجتماعی (تاریخ دو قرن فمینیسم تألیف خانم مشیرزاده بسیار راهگشا بود).

در آمدی جامع بر نظریه های فمینیستی ترجمه ی خانم منیژه نجم عراقی نیز به نگارنده کمک های فراوانی کرد. در ارتباط با موضوع فمینیسم پست مدرن هیچ گونه کار جامعی در ایران صورت نگرفته است اگر هم شده به صورت بخش کوچک چندین صفحه ای در یکی از کتابهایی است که راجع به فمینیسم نوشته شده است.

مقالاتی هم به صورت پراکنده در چند سایت معتبر راجع به پست فمینیسم دیده می شود اما تا کنون هیچ کتاب جامعی راجع به فمینیسم پست مدرن نوشته نشده است.

## ۵-۱ سوالات و فرضیات پژوهش

به این ترتیب در نگارش این رساله اصلی ترین سوال این است که فمینیسم با آموزه های پست مدرنی اش که فمینیسم پست مدرن نام گرفته است خواهد توانست بر دموکراسی که امروزه به عنوان یکی از مهمترین مسایل سیاسی است که ملتها و حکومتها خواهان حرکت هرچه بیشتر به سوی آن هستند تاثیر گذار باشد یا خیر؟

یکی از مسایل مهمی که در پست مدرنیسم مطرح می باشد «کثرت گرایی» است. در دموکراسی نیز اصل «تکثر» یکی از اصولی است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

فمینیسم های پسا مدرن می کوشند نظم مسلط به ویژه وجوه مرد سالارانه ی آن را به نقد بکشند. فمینیست های پسا مدرن هم مثل لاکان و دریدا اذعان دارند که چون و چرا کردن در نظم نمادین کاری به غایت دشوار است زیرا تنها کلماتی که برای این کار در دست داریم همان کلماتی است که این نظم نمادین را به وجود آورده اند.

به بیان دیگر این خطر وجود دارد که فمینیست های پسا مدرن، با پافشاری بر اینکه همه چیز متکثر و چندگونه و متفاوت است در موضع تحکیم نوعی متافیزیک سستی قرار بگیرند یا مدعی وجود نوعی حقیقت معیار شوند.

این رساله ی کوتاه در صدد تبیین تمامی مسایل فمینیسم پست مدرن نخواهد بود و بررسی این موضوع بحث مبسوطی را می طلبد که شاید نگارش چندین کتاب هم قادر به پاسخگویی کامل نباشند زیرا در علم هیچ گونه قطعیتی وجود ندارد.

حال، سوال اصلی این رساله درصدد پاسخ گویی به این مسئله است که فمینیسم پست مدرن بر آینده ی دموکراسی چه تاثیری خواهد گذاشت؟

در ارتباط با فرضیه ی پژوهش ذکر این نکته قابل توجه می باشد که پست فمینیستها تحت تاثیر آموزه های پست مدرن، با تردید در روایت های کلان دموکراسی، ساختار شکنی مفاهیم پیشین دموکراسی، تاکید بر حقوق عمومی دموکراتیک و تقویت گفتمان جدیدی از دموکراسی خواهی درصدد فراهم کردن تاثیر گذاری این نظریه اجتماعی - سیاسی (فمینیسم پست مدرن) بر دموکراسی خواهند بود.

امامهمترین تاکید در فمینیسم پست مدرن، خارج کردن نسبی فمینیسم از مفهوم جنسیتی آن می باشد و از طریق همین گفتمان فراجنسیتی فمینیست های پست مدرن امیدوارند که بتوانند در آینده بر مقولات مهم سیاسی از جمله دموکراسی تاثیر گذار باشند.

## ۶-۱ تعریف مفاهیم و متغیر های پژوهش

کلید واژه ها و مفاهیم مهم در این رساله به شرح زیر می باشند:

### الف) فمینیسم :

فمینیسم آموزه ای است که وجه اصلی تمامی تفاسیر و گونه های آن بر این باور استوار است که زنان به دلیل جنسیتشان گرفتار تبعیض هستند و لذا لازم است برای تغییر این وضعیت اقدام شود. به این ترتیب می توان اصلی ترین سوالات فمینیسم را به این شکل مطرح کرد: ۱- مردان چگونه مسلط شدند؟ ۲- چرا این سلطه پذیرفته شد؟ ۳- نتایج این سلطه چیست؟ مفروض اصلی فمینیسم این است که مردان بر زنان به اشکال مختلف تسلط پیدا کردند، به این ترتیب ، فمینیسم، از آنچه سلطه ی

مردان بر زنان می خواند، یک تلقی «هستی شناسانه» ندارد. به تعبیر دیگر، این وضعیت را شکل یافته می داند و نه امر وجودی. این بیان در صدد آن است که موضوع فمینیسم را براساس مفروض آن نشان دهد (فریدمن، ۱۳۸۱: ۹۹-۱۰۰).

در اساس، این تحولات عصر روشنگری و سپس انقلاب فرانسه در پیدایش نهضت های مختلف بود که مناسبات زن و مرد را از خیلی جهات مورد سوال قرار داد. اصطلاحات فمینیسم یا فمینیستی تا اواخر قرن نوزدهم وارد نظام واژگانی نشده بودند. هرچند بسیاری پیش از آن، برخی از آثار در مورد حقوق زنان به رشته ی تحریر درآمده بود که می توان با تسامح از صاحبان آن همچون دارندگان آرای فمینیستی یاد کرد.

فمینیسم در قرن نوزدهم و بیست آشکارا وجه سیاسی- اجتماعی پیدا کرد و توانست در چندین دهه ی گذشته خود را همچون یکی از مهمترین آموزه های سیاسی- اجتماعی قلمداد نماید. احتمالاً باید رساله ی جان استوارت میل به نام «انقیاد زنان» را که به سال ۱۸۶۹، یعنی ده سال پس از رساله ی معروفش «در باب آزادی» نگاشته شد مهمترین اثر فمینیستی قرن نوزدهم به شمار آورد.

نقد فمینیسم از ساختارها و نهادها که مناسبات اجتماعی از جمله نسبت میان دو جنس را به وجود می آورند، در کنار اعتراض به مفروضات مردان که در تفکرات یا رفتارهای آنها نسبت به زنان منعکس می شود در نهایت به گسترش و تعمیق بخشی مطالعات سیاسی- اجتماعی کمک موثری رسانده است. همین عدم قطعیت در تعریف هایی که بعضی از نویسندگان از این ایدئولوژی به دست داده اند در کلیت فمینیسم بازتاب یافته است. شاید گسترده ترین تعریف از فمینیسم این باشد: «هرگروهی که می کوشد تا موقعیت زنان یا ایده های درباره ی زنان را تغییر دهد.» این تعریف زیاده از حد گسترده است چون می تواند ضد فمینیست ها را در برگیرد. تعریف های دیگر دقیق تر است و جوهر فمینیسم را «کسب ارزش برابر با مردان از لحاظ دارا بودن طبیعت مشترک به عنوان شخصی آزاد» برای زنان می داند. این تعریف وابسته به این ایده است که هدف فمینیسم در نهایت برقراری